

اشاره: «یکبار عاشق یه نفر شدم که سیگار می کشید. همه کارهایش برام قشنگ بود؛ حتی سیگار کشیدنش. دوست داشتم شبیهش باشم. اولین سیگار را هم از دست او اوایل تابستان ۸۳ گرفتم…»؛ «ز سیگار بدم می آمد و نامزدم سیگاری بود. برای گیر ندادن به او سیگاری شدم»، «قلیان کشیدن برابم فان است»؛ این جملات دلایل چند نفر از زنان و دخترانی است که امروز سیگار و قلیان بخشی از هویت‌شان شده است. دخترانی که روزی مثل دیگر افراد جامعه عاری از آلودگی بودند اما امروز درگیر دود هستند و جدایی از آن برای‌شان بسیار مشکل است آن هم در جامعه‌ای که گرایش به سمت محصولات دخانی برای بانوان همواره قبح بیشتری داشته است و امروز رشد گرایشی چند برابری نسبت به مردان را تجربه می‌کند.

هر سال ۳۱ ماه مه به‌عنوان روز جهانی بدون دخانیات شناخته می‌شود. امسال هفته بدون دخانیات در ایران با توجه به مصرف بی‌رویه محصولات دخانی بویژه قلیان در جوانان، نوجوانان، زنان و در برخی محافل خانوادگی با شعار «قلیان، سمی برای سلامت خانواده» نامگذاری شد. در سال‌های گذشته دیدن زنان و دختران سیگار یا قلیان به دست در مجامع عمومی تا حدودی تعجب‌برانگیز بود اما این روزها تعداد زنان و دخترانی که سیگار به لب و قلیان به دست در پارک‌ها، کافه‌ها، سفره‌خانه‌ها و حتی گاهی در خیابان‌ها حضور دارند، رو به افزایش است. این وضعیت به سنین پایین‌تر نیز کشیده شده تا جایی که دختران نوجوان نیز به استعمال دخانیات می‌پردازند.

■ **رشد مصرف قلیان در دختران بیش از ۲ برابر بوده است/ ۳/۵ تا ۴ درصد زنان ایرانی سیگار می‌کشند**

براساس آمار ارائه‌شده از سوی محمدرضا مسجدی، دبیر کل جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ۳/۵ تا ۴ درصد زنان در کشور سیگار می‌کشند. همچنین هر چه سطح سواد در قشر جوان افزایش می‌یابد، مصرف سیگار بویژه در زنان تحصیلکرده افزایش می‌یابد. چندی پیش خسرو صادق‌نیا، رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات از شیوع شتابان و نگران‌کننده مصرف قلیان خبر داد.

به گفته او تا سال ۸۶ مصرف قلیان روند کاهشی داشت ولی از سال ۸۸ این روند رو به افزایش است. متأسفانه رشد مصرف قلیان در دختران بیش از ۲ برابر و در پسران نزدیک به ۲ برابر بوده است. سال ۸۲ میزان مصرف قلیان در دختران ۸/۷ درصد بود که سال ۸۶، به حدود ۲۰ درصد رسید.

مصرف مواد دخانی در سال‌های ۸۲ تا ۸۶ در دختران از یک به ۹ درصد افزایش یافته که این افزایش به دلیل بالا رفتن مصرف قلیان است. در سال‌های ۸۵ تا ۹۰ روند مصرف سیگار جز گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال ثابت بود ولی درباره قلیان بنابر آمار سال ۹۰ مصرف روزانه ۲ برابر افزایش یافته که بیشترین میزان مربوط به افزایش مصرف قلیان در زنان است.

■ **خانواده‌هایی که استعمال مواد دخانی توسط زنان و دختران جوان را می‌پذیرند**
چند سالی است مصرف قلیان در جمع‌های خانوادگی تا حدودی باعث شکسته شدن قبح آن شده است. در کنار افزایش مصرف قلیان بین زنان و دختران جوان، این روزها شاهد استعمال سیگار توسط این گروه هستیم که با وجود آگاهی نسبت به مضرات سیگار و قلیان و با دلایلی نه‌چندان قانع‌کننده به مصرف آن می‌پردازند. نکته مهم اینجاست که قبح استعمال سیگار با آگاهی خانواده‌ها و حتی به پیشنهاد خانواده‌ها نیز در حال شکستن است. گاهی این خانواده‌ها جزو افراد تحصیلکرده و حتی مرفهی هستند که با مضرات مصرف مواد دخانی کاملاً آشنایی دارند. «مینا» ۳۲ ساله یکی از این افراد است که تا مقطع فوق‌دیپلم تحصیل کرده و بازیگر تئاتر است. او از تجربه مصرف سیگار این‌گونه می‌گوید: «روزی یک پاکت سیگار می‌کشم. سیگار کشیدن را دوست دارم و به آن عادت کرده‌ام. به پیشنهاد پدرم سیگار کشیدم و از ۱۶ سالگی تفریحی سیگار کشیدم. همیشه در جمع دوستان و خانواده سیگار می‌کشم. برادرم سیگار و همسر دخترش قلیان می‌کشند. هیچ‌وقت از کشیدن سیگار ترسیدم».

«شویبا» دختری ۲۶ ساله است که دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی است. او نیز درباره مصرف دخانیات می‌گوید: «قلیان سالی یکی- دو بار در مناسبت یا مسافرت خاصی همراه با جمع خانوادگی یا دوستان می‌کشم و سیگار بسته به فصل، آب‌وهوا، موقعیت زمانی، مکانی و روانی متفاوت است. البته یک عادت همیشگی و روزمره نیست؛ گاهی جنبه آبرودارم، سفره در دوران پرسترس مانند زمان امتحانات یا فعالیت‌های فکری یا درگیری‌های عاطفی و روانی دارد که در این دوران مصرف به حداکثر ۸ تا ۱۰ نخ در روز می‌رسد اما ممکن است مدت‌ها



از عشق‌های دردرساز تا تفریح و سرگرمی

چرا زنان سیگار می‌کشند؟

اصلاً مصرف نکم بعد از چند وقت صرفاً آخر هفته‌ها در کنار دوستان یا تفریحی برای جنبه سرگرم‌کننده در حد ۳-۲ نخ در ۳ روز آخر هفته سیگار بکشم. گاهی هم در زمان خلوت و تنهایی صرف‌جهت تمرکز اعصاب می‌کشم. از قلیان خیلی کم استفاده می‌کنم چون با سیستم بدنی‌ام هماهنگی ندارد؛ افت فشار، سرگیجه، سردرد و گاهی هم حالت بیهوشی به من دست می‌دهد. جز سیگار تا به حال از هیچ‌گونه دخانیات و مواد دودزای دیگری استفاده نکرده‌ام. نخستین‌بار ترم ۶ کارشناسی در دانشگاه در ۲۰ سالگی سیگار را امتحان کردم اما هرگز به صورت عادت همیشگی نبود، بسته به شرایط و میزان استرس و فشار افزایش می‌یافت. از ابتدا خانواده‌ام کاملاً در جریان بودند. درباره کشیدن قلیان نخستین‌بار به پیشنهاد دایی‌ام بود. درباره سیگار انتخاب خودم بود ولی مادرم از ابتدا بشدت نگران و مخالف بود اما به هر حال کاملاً در جریان بود. فضای خاصی را برای کشیدن سیگار مدنظر ندارم تا جایی‌که اطرافیانم از این کار ناراحت نباشند و مخالفتی نداشته باشند. در خانواده درجه یک تنها فرد سیگاری دایی‌ام است اما در جمع دوستان خترم کسی اهل سیگار نیست ولی در میان آشنایان پسر این عادت بشدت زیاد و فشرده است… از ضررهای جانبی‌اش هیچ نگرانی ندارم، چون در زندگی شخص من، امور ضرررسان بسیار حادثی به لحاظ فیزیکی و روانی وجود دارد.»

■ **عشق‌های دردرساز**

درگیری دختران جوان در روابط عاطفی شاید نه چندان مستحکم، گاهی منجر به بروز رفتارهای نامناسبی از سوی آنها می‌شود به‌طوری‌که برای نزدیکی بیشتر احساسی با کسی که به او علاقه‌مندند، حاضر به انجام اقداماتی می‌شوند که نتایج خوبی برای‌شان ندارد. یکی از دلایل روی آوری زنان به مواد دخانی، تأثیرپذیری آنها از مردان محبوب‌شان است.

«رغان» ۳۳ ساله که مدرک کارشناسی زبان انگلیسی و روانشناسی دارد، درباره علت سیگاری شدن خود می‌گوید: «تا قبل از سیگاری‌شدن قلیان می‌کشیدم. ۴ سال است سیگار می‌کشم و نمی‌توانم قلیان بکشم، چون موقع سیگار کشیدن دود را با نفس به داخل ریه می‌دهم اما دود قلیان را در دهان جمع می‌کردم. الان نمی‌توانم قلیان بکشم، چون از روی عادت دود را قورت می‌دهم. سیگار را نخستین‌بار یک نفر تقریباً به زور بهم داد و منم رودریاستی کردم و کشیدم اما دلیل اصلی سیگار‌کشیدن این بود که نامزدم سیگار می‌کشید و چون از آدم‌های سیگاری بدم می‌آمد، خودم کشیدم که به او گیر ندهم. خانواده‌ام می‌داندنند سیگار می‌کشم، راضی

نیستند اما دعوام نمی‌کنیم، زیرا مادرم سیگاری بوده و به علت مشکل ریه و قلب مجبور به ترک شده. برادرایم هم سیگار می‌کشند. در هر جایی جز محل کار سیگار می‌کشم. در حال حاضر ریه‌هایم به مشکل برخورد، سفره می‌کنم، گرفتگی صدا دارم و پوستم خراب شده. به مصرف سیگار عادت کرده‌ام. امیدوارم بتوانم ترک کنم.»



از عشق‌های دردرساز تا تفریح و سرگرمی

چرا زنان سیگار می‌کشند؟

الان نمی‌دانم. فقط وقتی سفر می‌روم چند نخ می‌کشم. این تعداد در یک سال حتی به ۳ پاکت هم نمی‌رسد. پس از این تصمیم نه هوس می‌کنم سیگار بکشم، نه نکشیدنم اذیتم می‌کند.»

■ **تفریح ارزان**

در گذشته زنان برای ارتباط با یکدیگر در جمع‌های دوستانه عموماً از فضای خانه استفاده می‌کردند اما امروز فضای دورهمی‌های زنانه گسترده‌تر شده و به سطح اجتماع آمده است. یکی از دلایل مطرح‌شده از سوی زنان و دختران جوان برای استعمال مواد دخانی، نداشتن تفریح، و لذت بردن از فضای استعمال سیگار و قلیان است. مریم که در رشته روزنامه‌نگاری تحصیل کرده و ۲۵ سال سن دارد، در این‌باره معتقد است: «در مورد قلیان فکر می‌کنم ماهی ۴ بار می‌کشم. سیگار را یک هفته است حتی به شروع کردم شاید به دلیل مشکلاتی که داشتم. سیگار برایم چندان جذابتی ندارد، اما قلیان را خیلی دوست دارم. برای اینکه فان بود و هیچ کارِ خاص دیگری نمی‌توانستم انجام دهم. معمولاً اگر بخواهیم با دوستان‌مان جایی جمع شویم، طبیعی است که کافه هزینه بیشتری را بر دوش ما می‌گذارد اما زمانی که به سفره‌خانه می‌رویم، ارزان‌تر درمی‌آید و می‌توانیم وقت بیشتری را با دوستان‌مان بگذرانیم. خانواده‌ام در جریان نیستند و اگر متوجه شوند، مطمئناً برخورد بدی خواهند داشت، زیرا در خانواده ما اعتیاد به دود یا الکل وجود ندارد. بیشتر در فضای دوستانه قلیان می‌کشم و هیچ‌کس در خانواده‌ام جز من قلیان نمی‌کشد. ترس برای سلامتی وجود ندارد، زیرا در تهران به‌طور عادی دود استنشام می‌کنیم و اتفاق خاصی برای‌مان نیفتاده، فکر نمی‌کنم بعداً هم بیفتد؛ به نظرم مصرف قلیان مشکلی پیش نمی‌آورد. برای من جذابتی دارد اما شاید برای بقیه جذاب نباشد».

«فاطمه» نیز با ۲۵ سال سن دارای مدرک کارشناسی ارشد ارتباطات است و گاهی که به کافه می‌رود، سیگار می‌کشد. او می‌گوید: «مصرف قلیان من خیلی کم است شاید سالی یک یا ۲بار اما سیگار هر ۲ یا ۳ هفته یکبار، مثلاً ماهی ۴ نخ سیگار می‌کشم. چون سیگار را راحت‌تر می‌توان کشید، آن را انتخاب کرده‌ام. قلیان باید طی مراحل آماده شود و خانواده ما نمی‌پذیرند کسی قلیان بکشد، برای همین در خانواده خیلی کم پیش می‌آید که آن هم اگر باشد، سالی یکی، دو بار در میهمانی ولی سیگار را می‌توانی در کافه، پارک یا هر جای دیگری بکشی و کسی هم با تو کاری ندارد. نخستین‌بار در کافه دوستانم سیگار می‌کشیدند، من هم کشیدم و خوشم آمد. سیگار کشیدن را در ۱۹ سالگی در کافه شروع کردم و چون زیاد به کافه می‌رفتم، زیاد هم سیگار می‌کشیدم. در پارک روبه‌روی دانشگاه‌مان هم می‌کشیدم. خانواده اصلاً در جریان نیستند و اگر متوجه شوند گاهی چکشی برخورد خواهند کرد، زیرا این موضوع اصلاً در خانواده ما جا نیفتاده، حتی برای سیگار کشیدن پسر هم حساس هستند. احتمالاً اگر

متوجه شوند تا مدت‌ها طردم کنند. بیشتر در فضای دوستانه سیگار می‌کشم. در خانواده‌مان فقط شوهر عمه‌ام سیگاری است. واقعاً نمی‌ترسم که برای سلامتی‌ام مشکلی ایجاد شود.»

■ **چرا سیگار؟!**

به منظور بررسی جامعه‌شناختی گسترش مصرف مواد دخانی بین زنان و دختران سراغ پژوهش «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مصرف سیگار بین زنان و دختران شهر تهران» نوشته «علی‌اصغر سعیدی»، «شکوه دیباجی‌فروشانی» و «سیداحمد فیروزآبادی» رفتیم. این مقاله زمستان ۸۹ در مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران منتشر شد. پرسش عمده این تحقیق بررسی علل اجتماعی مصرف سیگار بین زنان و دختران بالای ۱۳ سال در سطح شهر تهران است که با حجم نمونه ۳۴۷ نفر انجام شده است. نتایج مدل تحقیق نشان می‌دهد ۶ متغیر واکنش اجتماعی، عاملیت، هنجارشکنی، رهایی از فشار عصبی، سیگاری بودن همسر و ریسک، به‌طور هم‌زمان بر مصرف پنهان سیگار مؤثرند و تعداد سیگار مصرفی با واکنش شرمنده‌ساز و سنت‌گرایی در ارتباط است.

■ **الگوی مصرف سیگار در زنان**

الگوهای مختلف مصرف سیگار براساس استاندارد سازمان جهانی بهداشت عبارتند از: افراد سیگاری روزانه (کسی که در روز حداقل یک نخ سیگار می‌کشد)، سیگاری تفننی (کسی که هر روز سیگار نمی‌کشد) و ترک‌کرده (کسی که قبلاً سیگاری روزانه یا تفننی بوده ولی در زمان انجام این مطالعه سیگار نمی‌کشد). رابطه گروه سنی و عاملیت با الگوی مصرف سیگار را در جدول زیر می‌بینید.

الگوی مصرف گروه سنی	مهرگه	روزانه	ترک‌کرده
نوجوان	۴۸/۸	۲۶/۸	۲۲/۴
جوان	۴۱/۴	۴۴/۳	۱۴/۳
میانسال	۲۳	۶۲/۲	۱۴/۹
بزرگسال	۳۲/۳	۳۳/۳	۳۲/۳
میائگین	۳۷/۸	۲۵/۴	۱۶/۸

زنان سنت‌زدا‌تر باشند، میزان مصرف پنهان سیگارشان نیز کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، زنان سنت‌زدا‌تر بیشتر سیگارشان را به صورت علنی و آشکار می‌کشند و واهمه آنها از آشکار شدن این موضوع کمتر است.

این مورد در زنان با عاملیت بالا نیز صدق می‌کند؛ یعنی هرچه میزان عاملیت زنان افزایش یابد، مصرف پنهان آنها کمتر خواهد بود. الگوی مصرف در افرادی که دارای عاملیت بالایی باشند، بیشتر به‌صورت روزانه است و سن خود مصرف سیگار در این افراد پایین می‌آید. این خود نشانگر آن است که آزادی عمل و استقلال بیشتر، سبب پایین آمدن سن شروع مصرف سیگار می‌شود. ارتباط هنجارشکنی با تعداد سیگار مصرفی و مصرف پنهان سیگار نشان می‌دهد هرچه میزان هنجارشکنی زنان بیشتر باشد، تعداد مصرف سیگار آنها نیز بالاتر می‌رود و مصرف پنهان فرد کاهش می‌یابد؛ یعنی مصرف علنی و آشکار او بیشتر می‌شود. تعداد سیگار مصرفی فرد با افزایش میزان همنشینی او و همچنین افزایش خطرجویی نیز تغییری نمی‌کند؛ یعنی خطرجویی و پیوند افتراقی، با تعداد سیگار مصرفی رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. از طرفی هرچه میزان واکنش شرمنده‌ساز به فرد بیشتر باشد، امکان مصرف پنهان او نیز بالاتر خواهد رفت. به علاوه سن شروع مصرف سیگار در جوان‌ترها و پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی بالاتر و افراد دارای عاملیت بیشتر، پایین‌تر است. همچنین معلوم شد افزایش میزان عاملیت زنان سبب تغییر الگوی مصرفی آنان از مهرگه به روزانه می‌شود.

عدم ترس از مضرات مصرف مواد دخانی، درگیری در روابط عاطفی و تأثیرپذیری زنان از مرد محبوب، تصور آرامش‌بخش بودن سیگار و قلیان و راهی برای فرار از فشارهای عصبی، دلایلی هستند که زنان و دختران برای استعمال سیگار و قلیان مطرح کرده‌اند که لزوم بهبود عملکرد نهادهای آموزشی را روشن می‌کند. در کنار این موضوع، برخی زنان مصرف مواد دخانی بویژه قلیان را به‌عنوان نوعی تفریح انتخاب کرده‌اند پس می‌توان گفت جامعه نیازمند معرفی تفریحات کم‌هزینه جدید و سالم برای جایگزینی است. البته در این بین نباید از فرهنگ‌سازی برای معرفی تفریحات سالم کوتاهی کرد.

از طرفی خانواده‌ها بویژه دربارۀ دختران نوجوان و جوان خود باید برخورد مناسب‌تری را پیش بگیرند و با راهنمایی‌های مناسب آنها را از استعمال مواد دخانی در خانه یا دور از چشم اعضای خانواده برحذر دارند؛ نه اینکه خود عاملی برای تشویق فرزندان‌شان به مصرف این مواد بویژه قلیان باشند.

منبع: مهر خانه

رتبه‌نامه ۷

نامه تاریخی سیداحمد خمینی به آیت‌الله منتظری

ایسن به معنای موافقت من با اینگونه کارها نیست ولی به طور کلی معمول اینگونه کارها همین است، در ضمن مگر مهدی هاشمی به خاطر نهضت‌ها تعقیب و محاکمه شد؟ چه کسی به شما گفت که مهدی هاشمی به خاطر نهضت‌ها دستگیر یا محاکمه شد؟ آیا مهدی هاشمی به‌خاطر قتل و ساواکی بودن و از این قبیل اتهامات محاکمه نشد؟ در همین نامه ۶۵/۷/۱۷ آمده است:

■ **سند شماره ۱۱:**

«سیدمهدی هاشمی در زمان شاه در دادگاه اصفهان به زور ساواک به ۳ مرتبه اعدام محکوم شد ولی دیوانعالی کشور زمان شاه این استقلال و عرضه را داشت که حکم دادگاه اصفهان را لغو کند».
من خواهش می‌کنم صفحه اول بپرونده آقای مهدی هاشمی را در سند شماره ۱/۱۱ (ص ۲۰ اسناد) در بازجویی ایشان بخوانید تا معلوم شود آیا ایشان در زمان شاه انقلابی بودند یا ساواکی. آیا دیوانعالی کشور زمان شاه بدون ساواکی بودن ایشان این عرضه و استقلال را داشته است که حکم دادگاهی را که به زور ساواک مهدی هاشمی را به ۳ بار اعدام محکوم کرده بود لغو کند؟ او به مناسبت ضعف نفسی که داشته است، به همان صورتی که تمام مطالبش را به سربازان گمنام امام زده است به ساواک شاه هم تمام اطلاعات خود را حتی اسم کسانی را که دستور قتل مرحوم شمس‌آبادی و دیگران را به آنان داده بود، می‌دهد و همه آنها دستگیر می‌شوند. در همین نامه ۶۵/۷/۱۷ آورده‌اید:

■ **سند شماره ۱۲:**

«من ترس از بیان حقیقت ندارم و ان کان الحق مرا.. سیدمهدی را از وقتی بچه بود و با مرحوم محمد مهیبت بود و به درس مکاتب من می‌آمد، می‌شناختم. پدرش استاد من بود و برادرش داماد من است. من تمام خصوصیات او را می‌دانم. او مردی است مخلص اسلام و انقلاب و حتی از شخص حضرتعالی (امام) هم خوش‌استعداد و خوش‌درک است و هم خوب صحبت می‌کند و خوب می‌نویسد و در عقل، تدبیر و مدیریت به مراتب از رئیس سپاه و وزیر اطلاعات با همه کمالاتش بهتر است و در تعهد و تقوا هم از آنان کمتر نیست فقط بز اخفش نیست و حاضر نیست کورکورانه مهره کسی باشد».
اما مهدی هاشمی در نامه‌ای برای شما در تاریخ ۶۶/۵/۷ آورده است: عین نلمه را در آخر جزو اسناد آورده‌ام.

■ **سند شماره ۱۳:**

«قبل از هر چیز از تلاش‌ها و حمایت‌های حضرت‌عالی در ماه‌های اول یازدهمتم که تصور می‌فرمودید من فردی خالص و بی‌گناه هستم بی‌نیامت متشکر و از اینکه به‌دلایل نفسانی حضرت‌عالی را در جریان همه اعمال و رفتار خود قرار نداده و هویت کامل خویش را در محضر شما بازگو نکرده‌ام بسیار متأسف و شرمندمام و به‌طور کلی از اینکه انسان آلوده به لغزش‌های فراوان و آغشته به ناخالصی‌ها و هواپرستی‌های بی‌شمار مورد توجه و عنایت شخصیتی الهی و منزّه و پاک و در جور او قرار گرفته بود عمیقاً اندوهگین و خجالت زده‌ام. هویت فکری و علمی من آنگونه که خود از آن واقف بودم و در این روزها شفاف‌تر نمایان شده است هیچ سختی‌با حضرت‌عالی و بیت شما و شعاع وجودی قائم‌مقام رهبری نداشته است. وضعیتی که ارتباط من با حضرت‌عالی را پوشانده بود چیزی جز سوءاستفاده از برکت وجودی حضرت‌عالی نبوده و از اینکه برخی اعمال و رفتار من مستقیم و غیرمستقیم حضرت‌عالی را دچار محذورات و اشکالاتی ساخت و از همه مهم‌تر قلب حضرت امام این تنها ودیعه الهی در این زمان و قلب تپنده جهان اسلام را به درد آورده بر خود نفرین می‌کنم.»

حضرت آیت‌الله منتظری! شما تصور بفرمایید که مهدی هاشمی بنا بر اینن اعتراضات تا چه اندازه در تمام مسائل سیاسی اجتماعی، شما را تحت‌تأثیر خویش قرار داده است که شما در موقعی که او برای آخرین‌بار می‌خواستنه از شما جدا بشود او را تشویق می‌کردید که هر چه کردی بگو فالتی گفته است. در صفحه ۲۳ پرونده خود سند شماره ۱۴ آورده است: «من از ایشان جدا شدم ولی در اندرون وجودی خود واقف بودم که چه مجسمه‌ای از شرف، فساد، فتنه و انحراف مورد تأیید قیبه عالیقدر قرار گرفته است و این شخصیت بزرگ چگونه مورد سوءاستفاده و حیلہ‌گری من و عده‌ای از دوستان قرار گرفته‌اند.»
حضرت آیت‌الله!

آیا شما سادانه‌اندیش نیستید؟ آیا شما از تمام خصوصیات آقای مهدی هاشمی اطلاع داشتید؟ در صفحه ۲۴ پرونده آمده است:

■ **سند شماره ۱۵:**

«خصلت‌های شیطانی مانند قدرت‌طلبی که نتیجه غرور و عجب بود و خودمحموری و استبداد فکری، ربا، تکبر و خودبزرگبینی مرا احاطه کرده بود و منشأ بسیاری از بر خوردهای عملی ام در قتل‌ها، انباشتن اسلحه و مهمات و علی‌شاکری علیه مسوولان از این خلعت شیطانی سرچشمه گرفته بود.»